



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَهِجُ الْبَلَاغَةِ فِي جَاهِهَا مُخْتَلَفٌ تَشْوِيقٌ وَ تَرْغِيبٌ وَ تَأْكِيدٌ بِر تَوْجِهُ بِهٖ قِرَانٌ مُجِيدٌ بِاِعْبَارَتِهَا وَ تَعْبِيرَاتٍ كَوْنَاكُونٌ دَارِدٌ مِّنْ جَمَلِهٖ اَيْنَ فَرْمَايشَ حَضْرَتِ كِهٖ فَرْمُودِهٖ: ﴿وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَأَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ﴾^۱، بيشتر تكيه كلام ما روي همين كلمه تفقه در قران است يعنى ما بايد احكام فقهى خودمان را از قران استخراج كنيم و سعى كنيم قران را در مسير فقه بخت و بيشتر بفهميم.

آدرس: شرح خوئی جلد ۷ صفحه ۳۸۱، شرح بحرانی جلد ۳ صفحه ۷۲، شرح فی ظلال جلد ۲ صفحه ۱۵۸، شرح ابن ابی الحدید جلد ۷.

حضرت امير عليه السلام در جای دیگر از نهج البلاغه در مورد قران اينطور می فرمايند: ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ، وَسِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ، وَبَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ، وَمَنْهَاجًا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ، وَشِعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْوُهُ، وَفُرْقَانًا لَا يُخَمِّدُ بُرْهَانَهُ، وَتَبَيَّنًا لَا تُهْدِمُ (تهدم) أَرْكَانَهُ، وَشِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ، وَعِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ، وَحَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ. فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَبُحْبُوحَتِهِ، وَبِنَايِجِ الْعِلْمِ وَبُحُورِهِ، وَرِيَاضِ الْعَدْلِ وَغَدْرَانِهِ، وَأَثَائِيِ الْإِسْلَامِ وَبُنْيَانِهِ، وَأَوْدِيَةِ الْحَقِّ وَغَيْطَانِهِ. وَبَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ، وَغُبُورٌ لَا يُنْضِبُهَا الْمَانِحُونَ، وَ مَنْهَلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ، وَمَنْزَلٌ لَا يَضِلُّ نَهْجَهَا الْمَسَافِرُونَ، وَأَعْلَامٌ لَا يَغْمَى عَنْهَا السَّائِرُونَ، وَأَكَامٌ (امام) لَا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ. جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ، وَرَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ... الى آخر كلامه الشريف﴾^۲.

امام رضوان الله عليه توجه خاصی به قران داشتند و تمام کار خودشان را بر مبنای قران استوار کردند، در بخشی از وصیت نامه خودشان مطالبی در مورد قران دارند، ایشان کلامشان را با حدیث ثقلین شروع می کنند و بعد می فرمایند اکنون

^۱ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۱۱۰، ص ۱۰۱.

^۲ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۱۹۸، ص ۲۱۲.

بينيم چه گذشته است بر کتاب خدا اين ودیعه الهی و ماترک پیغمبر اسلام صلوات الله عليه و آله، مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد پس از شهادت حضرت علی علیه السلام شروع شد خود خواهان و طاغوتیان قران کریم را وسیله کردند برای حکومت های ضد قرانی و مفسران حقیقی و آشنایان به حقائق را که سراسر قران را از پیامبر اکرم دریافت کرده بودند نداء این تارکم فيکم الثقلین در گوششان بود با بانه های مختلف آنها را کنار زدند در حقیقت قران را که برای بشریت تا ورود به حوض کوثر بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمان های این کتاب بود خط بطلان کشیدند انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند تا کار بجائی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است و هر چه این بنیان کج به جلو آمد کجی ها و انحرافات افزون شد تا آنجا که قران کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی تنزل کرده بود این ولیده علم الأسماء را از شر شیاطین و طاغوتیان رها سازد و جهان را به قسط و عدل برساند حکومت را به دست اولیاء معصومین علیهم السلام بسپارد تا آنان که به هر صلاح بشریت است بسپارند چنان از صحنه خارج کردند که گوئی نقشی برای هدایت ندارند کار بجائی رسید که نقش قران به دست حکومت های جائز و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد شد و مع الاسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل قران این کتاب سرنوشت ساز نقشی جز در گورستان ها و مجالس مردگان نداشت آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی می زد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول خدا در قران بود آن شخص را معصیت کار می شمردند و آن را بزرگترین معصیت کار می دانستند کلمه آخوند

آیات قرآنی در مورد جهاد را در دفاع خلاصه کرده اما درمقابل امام رضوان الله علیه و آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه می فرمایند قرآن اساساً می خواهد شرک و کفر و ظلم و فقر و فساد و تبعیض را بردارد و ما باید حرکت کنیم و یک رسالت جهانی برای مسلمانان است که قوی باشند و مقدمات را فراهم کنند و متحد باشند و حمله کنند و پیش بروند و استکبار و فقر و ظلم را از میان بردارند و مستضعفان جهان را به حرکت در بیاورند خلاصه این دو نوع فهم از قرآن می باشد.

بحث دیگر کم رنگ کردن جهاد است جهادی که حضرت امیر علیه السلام آن را عزت دین می شمرد و حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیهم نیز در خطبه ای که ایراد کردند عزت و عظمت دین را به جهاد می داند ولی برخی سعی کرده اند جهاد را خیلی کم رنگ کنند بلکه گفته اند چون زمان معصوم نیست اصلاً جهاد نداریم تا امام زمان ظهور کند.

مطلب دیگر اینکه ۵۰ نفر از سیاسیون و شخصیت‌های علمی و فکری و سیاسی دنیا هر کدام از یک زوایه انقلاب اسلامی ایران و کار امام رضوان الله علیه را مورد مطالعه قرار داده اند که نظرات آنها در کتاب "ثورة الفقیه و دولته" جمع آوری شده است، در صفحه ۴۹۷ این کتاب ذکر شده؛ هنگامی که طوفان ظلم و استبداد و استکبار ظلمات بعضها فوق بعضی برای مستضعفان و ملت‌های زیر سلطه و استبداد بوجود آمده بود یک امام تنها در برابر طوفان‌ها قیام کرد و از زندان و تبعید و تهدید و از دست دادن فرزند خود هرگز نهراسید و جلو آمد و این کار را انجام داد عجیب اینکه او یک سیاست مدار حرفه ای یا یک فرمانده نظامی نبود کان شیخاً کبیراً و رجل دین که گذشت سالها او را ضعیف کرده بود اما یُقَاتِلُ وحیداً در مقابل کل مستکبرین و مستبدین دنیا و هیچ وقت نرم نشد کلمات او در قلوب مردم جا می کرد مثل اسرافیل و نفخ صور بود هیچ ساعتی از عمرش عزم و اراده اش سست نشد هیچ وقت توقف نکرد.

خلاصه اینکه تفقه در قرآن بسیار تاثیر گذار می باشد.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

سیاسی موازی بود با آخوند بی دین اکنون نیز هست اخیراً قدرت های شیطانی بزرگ به وسیله حکومت های منحرف خارج از انقلاب اسلامی که خود را به دورغ به اسلام بسته اند برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرت ها قرآن را با خط زیبا طبع می کنند و به اطراف می فرستند و با این حيله شیطانی قرآن را از صحنه خارج می کنند ما همه دیدم قرآن را که مُجَدِّ رضا خان پهلوی طبع کرد و عده ای را اغفال کرد بعضی آخوندهای بی خبر از مقاصد اسلام نیز مداح او بودند... الی آخر کلامه، خلاصه آنچه که در جریانهای تاریخ بر قرآن گذشته بسیار اسف انگیز است و در وضع فعلی نیز میلیون ها قرآن چاپ می کنند و به این طرف و آن طرف می فرستند درحالی که مفاد و مضامین و مفاهیم قرآنی باید مورد توجه قرار بگیرد و روایات فراوانی نیز از ائمه علیهم السلام در مورد تفقه در دین و قرآن داریم و امام جواد علیه السلام نیز می فرماید تفقه بهائی برای هر چیز گران بهائی است و نردبانی برای رسیدن به مراتب و درجات کمال، و آن دوخطبه که از نهج البلاغه خواندیم نیز تاکید به تفکر و تفقه در قرآن داشتند.

تفقه در قرآن با بحث دیروزمان نیز مرتبط است از این جهت که ما در کتب فقهی خیلی به فقهاء با نظر تکریم و تعظیم نگاه می کنیم و کوچکترین کلمه ای که برخلاف این باشد حاضر نیستیم بگوئیم اما تعجب از این است که در کتب فقهی ما توجه به قرآن خیلی کم است دیروز عرض کردم در جواهر و شرایع و قواعد و جامع المقاصد و دیگر کتب فقهی به حدیث توجه بیشتری نسبت به قرآن شده است و گفتیم که اینها در کتاب جهاد سه قسم بیشتر برای جهاد ذکر نکرده اند درحالی که امام رضوان الله علیه با تکیه به قرآن در صحیفه نور هشت نوع برای جهاد ذکر کرده است.

بحثهای مهمی در مورد جهاد داریم و یکی از بحثهای مهم این است که مثلاً در تفسیر المنار جهاد را فقط خلاصه در دفاع می کند و می گوید هرچه که پیغمبر انجام داد دفاع بود و اصلاً ما در اسلام جهاد نداریم! در واقع تفسیر المنار تمام